

شاه

386 - 385

از عنوان شاه بسیار محدود شد، ولی در عصر عباسیان اگرچه خود خلفای عباسی یا برخی حکام محلی ایرانی مثل طاهریان و صفاریان از این عنوان استفاده نکردند، در مواردی برخی امرای سامانی (سامانیان*) در سکه‌ها با لقب ملک خوانده شده‌اند (به ترابی طباطبائی و وثیق، ص ۳۱۷-۳۵۶). با اطمینان بیشتر می‌توان آل بویه* را رواج‌دهنده اصلی عنوان شاه / شاهنشاه در دوره اسلامی دانست (به ادامه مقاله؛ نیز به بیهقی، ص ۴۴، ۵۶۶ که آل بویه را ظاهراً به تعریض شاهنشاهیان خوانده‌است).

صرف‌نظر از برخی آرای هنوز غیرقابل اعتماد درباره استفاده از عنوان شاه پیش از عضدالدوله (به مادلونگ، ص ۸۵-۸۶، ۸۹، ۹۲؛ مایلز^۱، ص ۲۸۵-۲۹۰)، تردید نیست که عضدالدوله (حک: ۳۳۸-۳۷۲) به فراخور گسترش اقتدار سیاسی‌اش، از لقب شاهنشاه برای خود استفاده کرد (به فقیهی، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ نیز به عضدالدوله دیلمی*).

عبارتهای شاهنشاه یا ملک‌الملوک بر بسیاری از سکه‌های آل بویه دیده می‌شود (به علاء‌الدینی، ص ۲۹۶-۲۹۷، ۲۹۹). در دینار متعلق به سال ۳۸۷ یا ۳۸۹، بهاء‌الدوله ابونصر فیروز* (حک: ۳۷۹-۴۰۳) الملك العدل شاهنشاه نامیده شده‌است. در دینار سال ۳۹۶ بغداد و دینار سال ۳۹۸ سوق‌الاهواز نیز، بهاء‌الدوله شاهنشاه خوانده شده‌است (به لین - پول^۲، ج ۲، ص ۲۱۳-۲۱۷). بر برخی دیگر از سکه‌های بهاء‌الدوله، علاوه بر دیگر القاب وی، لقب ملک‌الملوک العادل شاهنشاه به چشم می‌خورد (به علاء‌الدینی، ص ۲۹۴). القائم بأمرالله (حک: ۴۲۲-۴۶۷) نیز در ۴۳۵ این لقب را به ابوبکالیجار مرزبان بن سلطان‌الدوله (عمادالدین دیلمی*) اعطا کرد (مقریزی، ج ۱، ص ۱۳۵؛ نیز به حسن‌باشا، ص ۳۵۴).

پس از آل بویه، شاه لقب رایج حکام مسلمان ایران و گاه برخی بلاد دیگر گردید. فرخی سیستانی (ص ۶۶-۶۷)، عنصری (ص ۱۰۷-۱۱۵) و عسجدی مروزی (ص ۱۹) در مدح سلطان محمود غزنوی (حک: ۳۸۹-۴۲۱) او را که لقب رسمی‌اش سلطان بود، شاه خطاب کرده‌اند. بر سکه متعلق به سال ۴۲۲ انوشیروان بن منوچهر زیاری نیز نام مسعود غزنوی* (حک: ۴۲۱-۴۳۲) با لقب شاهنشاه آمده‌است. بهرامشاه غزنوی* نیز که خراجگزار سلطان سنجر سلجوقی (حک: ۵۱۱-۵۵۲) بود، بر سکه‌های خویش عبارت السلطان الاعظم یمین‌الدوله بهرامشاه را ضرب می‌کرد. طغرل بیگ* سلجوقی (حک: ۴۲۹-۴۵۵) خود را السلطان المعظم شاهنشاه می‌خواند. آپ‌ارسلان* (حک: ۴۵۵-۴۶۵) هم السلطان المعظم شاهنشاه ملک‌الاسلام خوانده می‌شد. لقب شهنشاه اعظم هم رسماً برای ملک‌شاه*

uma. html; *ET*², s.v. "Sh āwiya.1: the Magh rib" (by G. S. Colin), "ibid. 2: Syria and the Arabian Peninsula" (by W. and Fidelity Lancaster); David M. Hart, *Tribe and society in rural Morocco*, London 2000; Leo Africanus, *Description de l'Afrique*, ed. Ch. Schefer, Paris 1896-1898; *The Times comprehensive atlas of the world*, London: Times Books, 2014.

/ الهام امینی کاشانی /

شاه، عنوانی سلطنتی و یکی از رایج‌ترین القاب حکومتگران ایرانی و نیز حاکمان سرزمینهای تحت تسلط ایرانیان و ترکان (درباره ریشه‌ها و معانی واژه به برهان، ج ۳، ص ۱۲۳۱، پانویس ۷؛ دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ذیل واژه؛ مکنزی^۱، ص ۶۳).

در ایران پیش از اسلام، که حاکم کل ایران را شاه شاهان، شاهانشاه یا شهریار می‌نامیدند، برخی حاکمان محلی و گاه درباریان، مرزبانان و دیگر افراد تیولدار و نیز شاهزادگان ساسانی (ساسانیان*) راکه پیش از جلوس بر تخت شاهی، حکمرانی ایالتی را برعهده داشتند، با عنوان شاه می‌خواندند (به دینوری، ص ۱۱۰، ۱۱۳؛ حسن‌باشا، ص ۳۵۲؛ کریستن‌سن^۲، ص ۹۵-۹۶، ۱۳۱-۱۳۲؛ دهخدا، همانجا؛ شهبازی، ص ۵۶-۳).

در منابع دوره اسلامی علاوه بر واژه‌های شاه یا شاهنشاه، واژه‌های مَلِک، ملک‌الملوک یا ملک‌الملوک العجم و سلطان* نیز به کار رفته‌است (به قَلَقَشَنَدی، ج ۶، ص ۱۶؛ شاه‌حسین‌بن غیاث‌الدین محمد، ص ۸۲، ۸۹؛ زبیدی، ذیل واژه؛ نیز به احمدوند، ص ۶۷).

لقب شاه، در ایران پیش و پس از اسلام، مفهومی فربه و نسبتاً پیچیده است و با ابعاد مختلف فرهنگی، تمدنی و اجتماعی و سیاسی گره خورده‌است. ایرانیان از دیرباز شاهی را مقدس شمرده و بر آن بوده‌اند که خداوند فردی نژاده و نیکو را که از موهبتی ایزدی به نام فرّشاهی برخوردار است، به مثابه پدر نیکخواه مردم به شاهی برمی‌گزینند (به شهبازی، همانجا).

در صدراسلام، سنت اسلامی مفهوم و کارکرد شاه یا شاه‌شاهان را برنمی‌تابید؛ به‌ویژه آنکه مفهوم برتری طلبی و کبریا جزو دلالت این واژه‌ها بوده‌است. در چند حدیث نیز به نقل از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده‌است که بدترین مردمان کسی است که خود را شاهنشاه یا ملک‌الملوک یا ملک‌الاملاک بخواند، چه تنها خداست که مَلِک / ملک‌الاملاک است (به کلینی، ج ۲، ص ۵۶۶، ج ۳، ۳۲۳؛ ابن‌اثیر، ج ۳، ص ۴۰۲، ج ۵، ص ۳۳؛ نیز به مادلونگ^۳، ص ۸۴). پس از ورود اسلام به ایران، استفاده

1. MacKenzie

2. Christensen

3. Madelung

4. Miles

5. Lane-Poole